



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحثمان در طبقه اول و در مورد ارث اولاد اولاد بود که گفتیم سه قول میان ما وجود دارد، قول اول قول شیخ صدوق بود که فرمود با وجود أبوین دیگر اولاد اولاد ارث نمی برند که ما گفتیم این مطلب درست نیست و فقهاء ما فرمودند "و هو متروک" و دلیلش هم اجتهادی بود که معلوم شد.

خب و اما دو قول دیگر داشتیم که مهم تر بودند:

اول اینکه اولاد اولاد مثل اولاد بلاواسطه ولد محسوب می شوند و خودشان بین خودشان مستقلاً بر طبق "یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین" ارث را تقسیم می کنند والقائل به سید مرتضی و ابن ادریس و عده ای از فقهاء.

دوم اینکه اولاد اولاد در ارث بردن با اولاد بلاواسطه فرق دارند و مستقلاً ارث نمی برند بلکه همان سهم من یتقرب به را می برند یعنی اولاد بنت همان سهم بنت و اولاد ابن همان سهم ابن را می برند والقائل به صاحب جواهر و فقهاء معاصر.

این بحث در جلد ۱۹ مستند الشیعة نراقی و جلد ۱۳ مسالک شهید و جلد ۳۹ جواهر مبسوطاً مطرح شده که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

خب و اما امروز مقداری از کلام امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة را می خوانیم، ایشان اینطور می فرماید: «وها هنا أمور: الأول: أولاد الأولاد وإن نزلوا یقومون مقام الأولاد فی مقاسمة الأبوين (خلافاً للصدوق) وحجهم عن أعلى السهمین إلى أدناهما، ومنع من عداهم من الأقارب، سواء کان والدا المیت موجودین أم لا، ویتقدم کل بطن علی البطن المتأخر.

الثانی: یرث کل واحد منهم نصیب من یتقرب به، فیرث ولد البنت نصیب أمه ذکرا کان أو أنثی، وهو النصف مع انفراده أو کان مع الأبوين، ویرد علیه وإن کان ذکرا كما یرد علی أمه لو کانت موجودة ویرث ولد الابن نصیب أبیه ذکرا کان أو أنثی، فإن انفرد فله جمیع المال، ولو کان معه ذو فریضة فله ما فضل عن حصص الفریضة.

الثالث: لو اجتمع أولاد الابن وأولاد البنت فأولاد الابن الثلثان نصیب أبیهم، وأولاد البنت الثلث نصیب أمهم، ومع وجود أحد الزوجین فله نصیبه الأدنى، والباقی للمذکورین، الثلثان لأولاد الابن والثلث لأولاد البنت.»^۱

تا حالا فهمیدم که اولاد ابن سهم ابن و اولاد بنت سهم بنت را می برند چه یک نفر باشد یا چند نفر باشند، حالا می خواهیم بدانیم که سهم آباء خودشان را مابین خودشان چگونه تقسیم می کنند آیا مثل همان اولاد بلاواسطه طبق "للذکر مثل حظ الأنثیین" تقسیم می کنند یا نه؟ بله این آیه شریفه "یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین" عام است و هم شامل اولاد بلاواسطه و هم شامل اولاد مع الواسطه می شود منتهی در ما نحن فیه در مورد اولاد مع الواسطه روایاتی داریم که این عام را تخصیص زده و فرمودند نصیب من یتقرب به را می برند یعنی اولاد ابن دقیقاً همان سهم ابن را می برند و اولاد بنت نیز دقیقاً همان سهم بنت را می برند منتهی مابین خودشان طبق "للذکر مثل حظ الأنثیین" تقسیم می کنند و امام رضوان الله علیه و آقای خوئی و کلاً بعد از زمان سید مرتضی فقهاء ما نیز همین را می فرمایند.

خب و اما روایات مذکور در باب ۷ از ابواب میراث الأبوين والأولاد ذکر شده اند که عنوان باب این است: «أن أولاد الأولاد یقومون مقام آبائهم عند عدمهم، ویرث کل منهم نصیب من یتقرب به، ویمنع الأقرب الأبعد ویشارکون الأبوين».

خبر ۱ و ۲ و ۳ از این باب را خواندیم و اما اخبار دیگر این باب نیز مهم می باشند.

خبر اول: «وباسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن إبراهیم بن هاشم، عن صفوان، عن خزیمة بن یقظین، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن أبي عبد الله علیه السلام قال: ابن الابن إذا لم یکن من صلب الرجل أحد قام مقام الابن،

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۸۱، ط نجف.

در خبر اینطور ذکر شده که زنی فوت کرده درحالی که شوهر و ابویین و یک دختر دارد، ابویین سدس و زوج ربع می برد لذا ترکه در روایت به ۱۲ قسمت تقسیم شده زیرا دو مخرج ۴ و ۶ داریم که متوافقین هستند و هر دو بر عدد ۲ قابل قسمت هستند لذا هر کدام از آنها را بر ۲ تقسیم و بعد ضرب در دیگری می کنیم، ۴ تقسیم بر ۲ می شود ۲ و ضرب در ۶ می شود ۱۲ و یا ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۴ می شود ۱۲، بنابراین معلوم می شود ائمه علیهم السلام نیز طبق همان حسابی که ما عرض کردیم محاسبه می کردند.

در خبر ۳ از این باب ۱۸ که مهم می باشد اینطور ذکر شده: ﴿وإن ترك الميت أما أو أبا وامرأة وابنة فان الفريضة من أربعة وعشرين سهما، للمرأة الثمن ثلاثة أسهم من أربعة وعشرين سهما، ولكل واحد من الأبوين السدس أربعة أسهم...إلى : إن لم يكن ولد وكان ولد الولد ذكورا أو إناثا فإنهم بمنزلة الولد وولد البنين بمنزلة البنين، يرثون ميراث البنين، وولد البنات بمنزلة البنات يرثون ميراث البنات، ويحجبون الأبوين والزوجين عن سهامهم الأكثر وإن سفلوا بطنين وثلاثة وأكثر، يرثون ما يرث ولد الصلب ويحجبون ما يحجب ولد الصلب.﴾

ابویین سدس و زوجه ثمن و ابنته نیز نصف می برد، سه مخرج ۶ و ۸ و ۲ داریم که ۲ در ۶ داخل است لذا اکثر که ۶ است را أخذ می کنیم و اما ۶ و ۸ متوافقین هستند و هر دو بر عدد ۲ قابل قسمت می باشند لذا ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۸ می شود ۲۴ و یا ۸ تقسیم بر دو می شود ۴ ضرب در ۶ می شود ۲۴ بنابراین ترکه به ۲۴ سهم تقسیم می شود، خب در اینجا نیز طبق همان حسابی که قبلا عرض کرده بودیم محاسبه شده است.

خب و اما همان طور که دیدید این خبر ۳ از باب ۱۸ صراحت دارد در اینکه ولد ابن سهم ابن و ولد بنت سهم بنت را می برد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

قال: وابنة البنت إذا لم يكن من صلب الرجل أحد قامت مقام البنت. ۲.

خبر دوم: ﴿وباسناده عن الصفار، عن معاوية بن حكيم، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن ابن بنت و بنت ابن قال: إن عليا عليه السلام كان لا يألو أن يعطى الميراث الأقرب قال: قلت: فأيهما أقرب؟ قال: ابنة الابن. ۳.

خبر سندا صحیح است، بالاخره اخبار این باب با عباراتی که دارند عام قرانی "یوصیکم الله فی اولادکم" را تخصیص و تقیید می کنند.

خب و اما یک خبری در باب ۱۸ وجود دارد که مهم می باشد، خبر این است: ﴿محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير وعن محمد بن عيسى، عن يونس بن عبد الرحمن جميعا، عن عمر بن أذينة، عن زرارة قال: قلت له: إني سمعت محمد بن مسلم وبكيرا يرويان عن أبي جعفر عليه السلام في زوج وأبوين وابنة، للزوج الربع ثلاثة أسهم من اثني عشر سهما، وللأبوين السدسان أربعة أسهم من اثني عشر سهما، وبقي خمسة أسهم فهو للابنة لأنها لو كانت ذكرا لم يكن لها غير خمسة من اثني عشر سهما، وإن كانت اثنتين فلهما خمسة من اثني عشر لأنهما لو كانا ذكرا لم يكن لهما غير ما بقي خمسة من اثني عشر سهما فقال زرارة: هذا هو الحق إذا أردت أن تلقى العول فتجعل الفريضة لا تعول فإنما يدخل النقصان على الذين لهم الزيادة من الولد والأخوات من الأب والام، فأما الزوج والإخوة للام فإنهم لا ينقصون مما سمي الله لهم شيئا. ۴.

خبر سندا صحیح است.

۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۵۰، ابواب میراث الابوان والاولاد، باب ۷، حدیث ۵، ط الاسلامیة.

۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۵۱، ابواب میراث الابوان والاولاد، باب ۷، حدیث ۹، ط الاسلامیة.

۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۶۵، ابواب میراث الابوان والاولاد، باب ۱۸، حدیث ۱، ط الاسلامیة.